

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال شانزدهم
شماره ۱۸۴ تیر ماه ۱۳۹۴ - ژوئیه ۲۰۱۵

در حاشیه رشوه خواری در "فیفا"

امپریالیسم آمریکا پلیس جهانی و دادستان جهانی سیاستی برای تحکیم سرکردگی و قدری در جهان

در آغاز ماه ژوئن ۲۰۱۵ به یکباره جنجالی بر سر رشوه خواری در فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) بر پا شد که انگیزه های آن بسیار جالب توجه است. خانم "لورتا لینچ" (Loretta Lynch)، دادستان سابق نیویورک و وزیر دادگستری کنونی آمریکا، اسنادی منتشر نمود که ادعا داشت بر سر واگذاری حقوق برگزاری مسابقات جهانی فوتبال به قطر و روسیه رشوه پردازی شده است.

فورا مطبوعات و خبرگزاری های جهان همزمان و هماهنگ به کار افتادند تا برگزاری این مسابقات را در قطر و روسیه منع نمایند.

رئیس موقت "فیفا" آقای "دومنیکو اسکالا" (Domenico Scala) اظهار داشت که امکان ملغی کردن قرارداد برگزاری فوتبال جام جهانی در قطر ۲۰۱۸ و روسیه ۲۰۲۲ در صورت اثبات رشوه خواری منتفی نیست. جای ... ادامه در صفحه ۳

نظام مالی جهانی امپریالیستی غربی در حال فروپاشی (۳)

همانگونه که متذکر شدیم ظاهراً "صندوق بین الملل پول" با این ادعا وقتی وارد عمل می شود که "... به نظر می رسد که کشوری دارد دچار بحران می شود، "صندوق بین المللی پول" می بایست وارد عمل شده، به اعطای وام و کمک های تثبیت کننده اقتصاد بپردازد و به این ترتیب، پیش از وقوع بحرانها، از آنها جلوگیری کند". "این صندوق با اعطای وام شرایط بسیار دشواری را برای کشورهای متقاضی تعیین می کند. به قسمی که با تعیین و تحمیل برنامه های ریاضت اقتصادی عملاً در امور اقتصادی کشورهای دریافت کننده وام دخالت و اختلال می کنند و آنها را از نظر اقتصادی و در نهایت سیاسی به سرمایه های بین المللی و کشورهای سرمایه داری پیشرفته وابسته می سازد. این نهاد عملاً چیزی نیست جز عامل اجرای سیاست های سرمایه های کلان مؤسسات اعتباری و بانکی". برای شناختن ماهیت صندوق بین المللی پول که با هدف چپاول جهان فعالیت می کند و تلاش دارد مبادلات ارزی را بر پایه دلار چنان تثبیت نماید که سرمایه گذاران کلان در ممالک در حال توسعه و یا نیازمند سرمایه های خارجی دچار ضرر و خسارتی ... ادامه در صفحه ۴

رویزونیسم در قدرت سیاسی، دیکتاتوری بورژوازی است و سوسیالیسم را فرومی پاشاند

در زیر ما به مستخرجی از نظریات سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان در ۱۳۴۷ یعنی در ۴۷ سال پیش اشاره می کنیم. خوانندگان در این اثر جاودانی تحت عنوان "رویزونیسم در تئوری و در عمل" می بینند که چگونه توفانی ها، فروپاشی شوروی را پیشگویی کرده بودند. زیرا رویزونیسم یک ایدئولوژی ضد کمونیستی و بورژوازی است. وقتی این ایدئولوژی بر حزبی مسلط شود این حزب دیگر نمی تواند حزب کمونیستی باشد که از منافع طبقه کارگر دفاع کند. این وضعیت بسیار اسفبارتر است اگر رویزونیسم در کشوری بروز کند که حزب کمونیست بر مسند حکومت است و قدرت سیاسی را به کف گرفته است. تسلط رویزونیسم بر حزب به مفهوم تغییر ماهیت حزب و تغییر ماهیت دیکتاتوری طبقاتی در کشور است. در کشوری که قدرت سیاسی در دست رویزونیستها باشد آن کشور دیگر نمی تواند ماهیت سوسیالیستی داشته باشد و سقوط ساختمان سوسیالیسم به یک امر زمانی بدل می شود. سوسیالیسم تنها به اعتبار ماهیت سیاسی کمونیستی حزب حاکم در قدرت تعیین می شود. سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان با حرکت از این حکم صحیح مارکسیستی لنینیستی پیشگویی کرد که شوروی فرو می پاشد و احزاب رویزونیستی که همواره از منافع بورژوازی خودی دفاع می کند بر اساس "قوه گریز از مرکز" و جدائی از انترناسیونالیسم پرولتری به همکاری با طبقات حاکمه خودی می پردازند و سوسیالیسم را به گور ... ادامه در صفحه ۶

داعش اهرم اعمال سیاستهای امپریالیسم

در منطقه است

ماشینهای خبری انحصاری افکار عمومی سازی امپریالیستی راه افتاده اند تا برای داعش تبلیغ کنند و سرباز جمع آوری نمایند. اینهمه تروریستهای جنایتکار در لیبی، افغانستان، پاکستان، نیجریه ... به فعالیت مشغولند و به عملیات تروریستی دست می زنند، ولی هیچکدام از آنها پوشش خبری داعش را ندارند.

این تروریستهای دست پرورده امپریالیسم در لیبی حتی حکومت رسمی خلیفه اسلامی را در یک بخش از کشور مستقر ساخته و نفت را رسماً به ممالک امپریالیستی می فروشند و از آن نیازهای تروریستی خویش و امپریالیسم را تامین می کنند. خبرگزاری های جهان زحمت افشاء این خلیفه گری در لیبی را به خود نمی دهند و حتی بر روی اخبار آشوبهای این کشور سرپوش می گذارند. ولی در مورد نیروی "لازال" داعش مرتب در بوقهای تبلیغاتی می دمند و اعلام می کنند که داعش داوطلب می پذیرد و موصل را تسخیر کرده، بخش بزرگی از سوریه زیر سلطه اش قرار دارد و با فتح رمادی در عراق در چهل کیلومتری مرز ایران است. راه ورود به سوریه و عراق نیز از طریق ترکیه و همدستی ناتو و اسرائیل و امپریالیستها بر روی آنها باز است. تصاویر تجاوز این قوم وحشی به رمادی نشان می دهد که آنها در ماشینهای پشت سر هم قطار شده و مملو از آدم و اسلحه در جاده های منتهی به رمادی در حال حرکتند و از ... ادامه در صفحه ۲

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران بپیونید

داعش اهرم اعمال...

نظر نظامی بهترین طعمه گلوله های هواپیماهای آمریکا و متحدانشان در عراق می توانند باشند که با چند پرواز مستمر خودشان را از شر این تروریستهای واراداتی راحت کنند. ولی آمریکا و متحدان عرب و ناتوی آنها این کار را نمی کنند و دست داعش را باز می گذارند تا رمادی را اشغال کند. نشریه آلمانی زبان "کلتر اشتات آنسایگه" در مورد تهاجم داعش به شهر تاریخی پالمیرا که میراث فرهنگی جهان است و تا کنون در دست نیروهای نظامی دولت رسمی سوریه بود، می نویسد: "... هواپیماهای جنگنده متفقین در جنگ پالمیرا مداخله نکردند، زیرا این مداخله به نفع بشار اسد تمام می شد" (۲۲ ماه مه ۲۰۱۵). حال از طریق خبرگزاری رویتر خبر می دهند که ۵۰ قبیله سنی عراق نیز به بیعت با ابوبکر البغدادی پرداخته و حاضرند بر ضد ایرانی ها که آنها را "صفوی" ها معرفی می کنند متحد شده و به جنگ بپردازند. خبرگزاری امپریالیستها به بزرگ کردن این نشستها و قدرت رو به افزایش داعش می پردازند تا با جنگ روانی و ایجاد دلهره زمینه تجاوز به بغداد را فراهم کنند. جالب این جاست که امپریالیسم آمریکا و متحدانش حکومت قانونی و رسمی صدام حسین را با دروغ سرنگون کردند و یک میلیون عراقی را نابود نمودند و کشور عراق را به صدها سال عقب رانده اند. نفت عراق را بدون حساب و کتاب می دزدند، موزه های عراق را غارت کرده اند، اموال نقد و دارائی بانکهای عراق را به سرقت بردند و از درآمد نفت عراق به کویت کمک کرده و به تامین مخارج ارتش آمریکا مشغولند. رژیم دست نشانده عراق و مطلوب ایران اجازه داده است که در منطقه سبز بغداد ۱۵ هزار نظامیان آمریکایی به بهانه کادر دیپلماتیک که مصونیت قضائی دارند حضور داشته باشند. آمریکا هرگز خاک عراق را ترک نکرده است و بخشی از نیروی خود را که هر لحظه مترصد ورود به عراق هستند در کویت، بحرین، قطر، عربستان سعودی و ناوهای آمریکایی در خلیج فارس نگهداری می کند. ماهیت مبارزه خلقهای عراق یک مبارزه ملی و ضد امپریالیستی برای رهایی عراق و قطع دست همه مداخله گران و در درجه نخست امپریالیسم آمریکاست و نه جنگ شیعه و سنی. آنوقت این وحوش داعش، عامل اجرای سیاست امپریالیسم آمریکا، به همان سیاست تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه که گویا رویدادهای عراق محصول نزاع میان شیعه و سنی است، دامن می زنند و مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا برای رهایی ملی عراق و ایجاد وحدت میان همه ملتها و ادیان عراق برای کسب استقلال ملی را نفی نموده و آنرا اختلافات مذهبی میان ایرانی های شیعه که آنها را "صفوی" ها می خوانند، جلوه می دهند. بسیاری کردهای خودفروخته عراقی نیز که همدست جرج بوش در نابودی کشور عراق بودند، متحدان مصلحتی داعش هستند. از نظر آنها نابودی عراق مهم نیست، زیرا که اعراب کشته می شوند و این ربطی به اکراد که نافته جدا بافته ای هستند ندارد. طبیعتاً این سیاست اکراد سیاست امپریالیستها و صهیونیسم در منطقه و

بر ضد همه خلقهای منطقه است و باید افشاء گردد. خلقهای منطقه باید این اسرائیل دوم در منطقه را افشاء نموده و با آن مبارزه نمایند و عمل ایرانی آنها را نیز در ایران بی اعتبار کنند. آنها با صحنه سازی انبارهای اسلحه و آذوقه های فراوانی را که با یاری ممالک امپریالیستی از قبل ذخیره کرده بودند با یک عقب نشینی ساختگی در اختیار داعش گذاردند و این سیاست تا به امروز نیز ادامه دارد. همین روش رهبران داعش و اکراد عراقی نشان می دهد چه سیاست کثیفی برای انحراف مبارزه مردم عراق در راه رهایی ملی و طرد امپریالیسم در عراق در کار است. آمریکائی ها بارها اعلام کرده اند که مبارزه با داعش یک مبارزه زودرس نیست به زمان نیاز دارد و ممکن است سی سال طول بکشد. به گزارش د.پ. (خبرگزاری آلمان)، جان کری وزیر امور خارجه آمریکا از طریق پیام تلفنی خطاب به مولفان "ضد داعش" حاضر در کنفرانس پاریس در تاریخ ۰۶/۰۲/۲۰۱۵ که در کاخ الیزه تشکیل شده بود، اظهار داشت که مبارزه بر ضد داعش یک مسئله "مبارزه چند ساله" است و این اعتراف خود گویای سیاست راهبردی امپریالیسم آمریکا در منطقه است. اکراد عراقی، اسرائیل، ترکیه، عربستان سعودی، قطر، اردن و تروریستهای جهادبست همه و همه در خدمت این سیاست امپریالیستی عمل می کنند. در کنفرانس ضد "داعش" در پاریس آمریکائی ها و متحدانشان اعلام داشتند که پیروزی بر داعش تنها از طریق نظامی مقدور نیست. باید این مشکل را سیاسی نیز حل کرد. و این کنه مطلبی است که در منطقه در جریان است. داعش یک هنگ بین المللی تروریستی از همه جهان و حتی +ممالک غربی و مزدوران جهانی است و ربطی به مبارزه مردم عراق برای رهایی ملی ندارد. این تروریستها، واراداتی هستند و اهرم فشار امپریالیسم آمریکا در منطقه تا سیاستهای خویش را از طریق شل و سفت کردن این سگهای وحشی به پیش ببرد. آن راه حل سیاسی که امپریالیستها از آن صحبت می کنند، راه رهایی ملت عرب و یا کرد عراق نیست، راه اعمال فشار به ایران، روسیه و چین در منطقه است تا با آمریکا بر سر پاره ای مسائل کنار آیند. در آن صورت است که امپریالیستها از این جنگ فرسایشی دست برخواهند داشت و یکشنبه خدمت مزدوران داعش با قطع کمکهای مالی و یا بمباران مناطق تجمع و یا جلوگیری از ورود آنها به عراق می رسند. راه حل سیاسی امپریالیستها وادار کردن رقیب به مصالحه و بند وبست و سازش با امپریالیستهاست. در غیر این صورت سیل تسلیحات است که سرازیر دامن داعش خواهد بود و همه خبرگزاری های امپریالیستی جهان نیز یک صدا به تبلیغ برای داعش دست خواهند زد تا برای این "جبهه" سربازگیری کرده و آنها را به سوی ایران کیش دهند. روزنامه آلمانی "کلتر اشتات آنسایگه" در شماره ۲۴/۲۳ ماه مه ۲۰۱۵ به پرسش خود چنین پاسخ می دهد: "ایا پیروزی بر داعش از نظر نظامی مقدور است؟ خیر. پیروزی بر داعش زمانی ممکن است که شرایط اساسی سیاسی تغییر کنند." و این نشریه که با مودیگری سیاست

امپریالیستی در منطقه را جنگ شیعه و سنی جلوه می دهد خواهان سرنگونی بشار اسد و تغییر رژیم در عراق به طوریکه مطلوبتر برای آمریکا و مقاومتر در مقابل ایران باشد. این است آن شرایط اساسی که باید تغییر کند در غیر این صورت داعش "آش کشک خالته بخوری پاته نخوری پاته".

دولت اسرائیل نیز بیکباره لحنش را در مورد اعراب که تا کنون آنها را دشمنان سوگند خورده و تاریخی خود می دانست به کلی عوض شده است. ببینید مطبوعات و خبرگزاریهای جهان چگونه خیر می دهند: "المیادین گزارش داد: افسر سابق سازمان اطلاعات عربستان سعودی با دستیار نخست وزیر رژیم صهیونیستی در واشنگتن دیدار کرد.

به گزارش سرویس بین الملل «انتخاب»، انور ماجد عشقی با «دوری گلد» (Dore Gold) یکی از دستیاران بلندپایه بنیامین نتانیاهو در همایشی در پشت درهای بسته که شورای روابط خارجی آمریکا در واشنگتن میزبان آن بود، دیدار کرد.

بلومبرگ نیز نوشت: دیدار این افسر سابق اطلاعاتی سعودی با دستیار بلندپایه نتانیاهو، ادامه پنج دیدار سری پیشین بین دو طرف از ابتدای سال ۲۰۱۴ تاکنون بود.

این دو در جریان کنفرانسی در اندیشکده شورای روابط خارجی در واشنگتن فاش کرده اند که نمایندگان دو کشور دیدارهای محرمانه ای برای بحث درباره "دشمن مشترک خود ایران" داشته اند.

بلومبرگ افزود: هدف از این دیدارها توافق درباره مسایل منطقه بین اسرائیل و عربستان به ویژه در تنگنا قرار دادن ایران است. ...

طرف اسرائیلی هم در این دیدار بر گرم شدن روابط بین دو طرف تأکید کرد.

شیمون شاپیرا از شرکت کنندگان در این نشست ها که یک ژنرال بازنشسته اسرائیلی است به خبرنگار بلومبرگ گفت: ما به این نتیجه رسیدیم که مشکلات مشترکی داریم، چالش های مشترک و پاسخ های مشترکی داریم.

بنابه این گزارش شاپیرا این مشکلات را فعالیت های ایران در منطقه دانست و گفت که دو طرف در باره راه های سیاسی و اقتصادی برای مهار ایران بحث کرده اند اما جزئیاتی ارائه نداد. "حالا به سخنان آقای منشه امیر صهیونیست گوش فرا دهید:

منشه امیر، مجری برنامه فارسی رادیو اسرائیل و عامل موساد که وظیفه هماهنگ کننده تبلیغات اپوزیسیون خودفروخته ایران در آمریکا را به عهده داشت، در یک گفتگو در مورد اعراب و روابطشان با اسرائیل از دل شیوخ عربستان سعودی سخن رانده و آورد:

"... بنویسند دل اعراب را به دست بیارن، ولی آقای دکتر تقی زاده تصور می کنند که اینان کاملاً نتیجه معکوس می گیرند، برای اینکه کشورهای عرب امروز نمی خواهند اسرائیل نابود بشه، دوست دارند اسرائیل را، به اسرائیل احتیاج دارند، آنها دلشون می خواد که اسرائیل باشه که از امنیت آنها در منطقه دفاع بکنه، ایالات متحده دوره، بریتانیا دوره، کشوری که میتونه از امنیت کشورهای عرب منطقه دفاع بکنه اسرائیل، اینکه... ادامه در صفحه ۳

سرمون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران

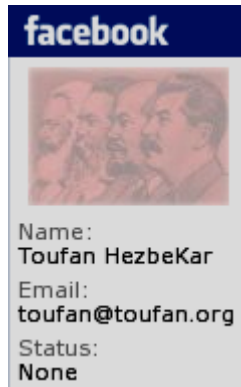
داعش اهرم اعمال...

در این دورانی که اعراب از مرگ بر اسرائیل دست برداشتند و حاضر و علاقمند به همکاری با اسرائیل هستند، یک رژیم در ایران به روی کار آمده که برای منحرف کردن افکار مردم ایران برای تأمین هدفها و آرمانهای خودش می آید و اسرائیل را به نابودی تهدید می کند."

این تغییر جهت سیاست ضد عرب صهیونیستها دیگر قابل انکار نیست. معلوم می شود که پشت پرده توافقات پنهان میان ترکیه، عربستان سعودی، اسرائیل، ناتو و آمریکا صورت گرفته است تا با یک جنگ فرسایشی نیابتی در منطقه با ایجاد آشوب و تضعیف ممالک خاور میانه به منابع منطقه بدون مزاحم دست پیدا کنند و با نظارت و پائیدن منطقه، از ایران به عنوان سکوی پرش بر ضد چین و روسیه استفاده نمایند. داعش دست دراز شده امپریالیسم در منطقه، برای تحقق اهداف استعماری است و برای رد گم کردن و پوشش جنایات ضد بشری این قوم وحشی، رادیو اسرائیل از آنها به عنوان "معارضان بشار اسد" صحبت می کند که گویا محصول استبداد بشار اسد در سوریه اند و چنانچه حکومت اخوان المسلمین در سوریه مستقر می شود، هرگز داعش متولد نمی گردید. تولد داعش که نوزادی ناقص الخلقه است محصول مقاومت مردم سوریه در مقابل اپوزیسیون خودفروخته سوریه بود که با آمریکا همدستی می کرد و می خواست سوریه را به لیبی تبدیل کند. آنها بر این پندار واهی بودند که حکومت قانونی و رسمی بشار اسد را در عرض دو هفته با دخالت و رخنه گری و خرابکاری سرنگون می کنند. وقتی مردم سوریه به مقاومت دست زدند و تیرشان به سنگ خورد داعش را آفریند. امپریالیستها که تا کنون هر مخالفی را با برجسب تروریست منکوب کرده اند بیکباره از عدم موفقیت راه حل نظامی بدون در نظر گرفتن راه حل سیاسی سخن می رانند. معلوم نیست که چرا همین سیاست را در همه جا در نظر نمی گیرند. در سودان، مالی، نیجریه، هوادار راه حل نظامی اند. چرا با صدام حسین و معمر قذافی بدنبال راه حل سیاسی نبودند و تجاوز نظامی را ترجیح دادند؟ راه حل سیاسی و با نظامی عبارات بی ارزشی هستند که برای پرده پوشی سیاست راهبردی امپریالیستها بر اساس شرایط روز مورد بهره وری قرار می گیرند. به دنبال راه حل سیاسی در سوریه و عراق گشتن یعنی کش دادن وضعیت کنونی تا وضع به نفع آنها تغییر کند. امپریالیستها برای تحقق اهدافشان از هیچ جنایتی رویگردان نیستند. خوب است که مردم ایران این واقعیات تاریخی را بدانند. جنایات داعش مهر آمریکائی-صهیونیستی دارد و متمم جنایات امپریالیسم در کره، کامبوج، لائوس، ویتنام، کنگو، اندونزی، شیلی، آرژانتین و... می باشد. راه مقابله با تجاوز امپریالیستی تکیه به مردم، بسیج مردم، جلب اعتماد مردم با برسمیت شناختن حقوق مسلم و قانونی و انسانی مردم ایران است. باید مافیای سارقان را در ایران نابود کرد و به مطالبات دموکراتیک مردم توجه کرد و آنوقت است که مردم در مقابل دسیسه های امپریالیسم و همه اعمال خود

توفان در توئیتر Toufanhezbkar حزب کار ایران (توفان) در فیس بوک

Toufan HezbeKar



فروخته ایرانی که در البسه "انقلابی" و ضد "اسلامی" علم شده اند خواهند ایستاد. حکومتی که از مردمش بهراسد سرانجام در دامن امپریالیسم خواهد بود و سیاستهای اقتصادی و امپریالیسم پسند و نئولیبرالی را اعمال خواهد کرد.

امپریالیسم آمریکا پلیس...

شگفتی نیست که آمریکا در سال ۲۰۱۰ در رقابت دریافت حق برگزاری جام جهانی فوتبال، رقیب قطر بود و در انتخابات شکست خورد و با کینه پنهان تا به امروز نیز صدایش در نیامده بود.

هنوز مرکب ادعانامه وزیر دادگستر آمریکا خشک نشده بود، معلوم شد، حق برگزاری جامهای جهانی در پاریس، آفریقای جنوبی و به احتمال قوی در برلن با رشوه دادن به نماینده زلاند نو برای خروج به موقع از نشست شورایی در هنگام اخذ رای، برای اعمال نفوذ در نتیجه آراء به نفع آلمانها و یا نشمردن آراء داده شده به مراکش برای گزینش آفریقای جنوبی با رشوه دهی صورت گرفته است. در مورد تقلب آلمانها در این رسوائی اخیر، سند ننگین دیگری برملا شده که به جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان و توافقنامه تسلیحاتی این کشور با عربستان سعودی در زمان حکومت "گرهارد شرودر" سوسیال دموکرات ارتباط دارد.

بر اساس گزارش مطبوعات: "روزنامه تلگراف چاپ انگلیس پرده از رسوایی ای جدیدی برداشت که در یک سوی آن کشور آلمان و در طرف دیگر کشور عربستان قرار دارد. بر اساس این خبر، عربستان در قبال موافقت برلین با امضای یک توافقنامه ارسال ۱۰۰۰ عدد «آر پی جی» با ریاض، از واگذاری میزبانی جام جهانی سال ۲۰۰۶ به

کشور آلمان حمایت کرده بود.

در ادامه این خبر به نقل از روزنامه آلمانی "بیلد" آمده است مقام های سوئیسی اعلام کردند در همان روزی که گروهی از مقام های عالی رتبه "فیفا" بر اساس کیفرخواست دادگاهی در آمریکا بازداشت شدند در ساختمانی که پیش از این از اژانس بازاریابی ورزشی بود به اسنادی دست یافته اند که متعلق به مکان برگزاری دو جام جهانی بعدی است."

و این هنوز از نتایج سحر است. چه فضاحتی بزرگتر تر از اینکه با اسلحه برای کشتار مردم به دست ارتجاع عربستان سعودی، پرچم "دوستی" فوتبال ملل را برافراشت و از "حماسه تابستان آلمان" سخن راند و به عنوان پرچمدار ضد رشوه خواری در مقابل دوربینهای رسانه های گروهی ظاهر شد و رشوه خواری را در "فیفا" محکوم کرده، درخواست اصلاحات نمود و خواست نفوذ بیشتر در "فیفا" را به میان آورد.

اینکه سایر فدراسیونهای فوتبال جهانی برای دریافت این حقوق، قانونی رفتار کرده باشند، قابل اثبات نیست. روشن است که انجام مسابقات جهانی فوتبال بعد از کودتای سرهنگان در آرژانتین امر اتفاقی نبوده و با خواری از انگیزه های سیاسی و مالی همراه بوده است. اینکه اسرائیل که یک کشور آسیایی مصنوعی است، در جام جهانی فوتبال اروپا شرکت می کند تا از طرف ممالک مسلمان و یا مترقی آسیا بایکوت نشود، صرفا امری سیاسی و قانونی من درآوردی برای قد و قواره اسرائیل و مخالف علم جغرافیای جهان است.

اما این خانم وزیر دادگستر آمریکا که وجدانش از برده داری در قطر و اخبار وحشتناکی که از آنجا به گوشش رسیده "ناراحت" شده به چه اسنادی استناد می کند به این موضوع بر می گردد که "به گزارش اکو ویژن به نقل از یورونیوز، "چاک بلیزر" (Chuck Blazer)، عضو سابق "فیفا" و رئیس پیشین کنفدراسیون کونکاکاف (Concacaf) اتحادیه فوتبال قاره ای شمال و مرکزی آمریکا و دریای کارائیب. به دریافت رشوه از سوی برخی از مقامات "فیفا" برای دو جام جهانی فرانسه و آفریقای جنوبی اعتراف کرده است. فاش شدن این موضوع از سوی عضو سابق "فیفا" در حالیکه تاکنون بحث تنها بر سر دریافت رشوه برای بازیهای جام جهانی ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲ مطرح بود.

بنا به اعتراف چاک بلیزر، فرانسه و آفریقای جنوبی میزبانی بازی های جام جهانی فوتبال در سال های ۱۹۹۸ و ۲۰۱۰ را با پرداخت رشوه به مسئولان "فیفا" به دست آورده اند.

گفته می شود چاک بلیزر، به دلیل فرار مالیاتی در سال ۲۰۱۳، از سوی "اف بی آی" تحت فشار بوده و از جلسات و مسائل داخلی "فیفا" برای پلیس فدرال آمریکا جاسوسی می کرده است. همکاری وی با "اف بی آی" از طریق ضبط مکالمات مقامات این کنفدراسیون، موجب دستگیری تعدادی از مقامات "فیفا" طی روزهای گذشته در زوریخ و آنهم در آستانه کنگره سالانه این فدراسیون شد."

تا اینجا معلوم شده که این آقای شاهد، تحت فشار مقامات آمریکائی قرار داشته و برای آنها توسط دستگاه ضبط... ادامه در صفحه ۴

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

امپریالیسم آمریکا پلیس...

صوت و دوربین مخفی جاسوسی می کرده است. این اقدامات **وزیر دادگستری** آمریکا در اروپا و هر کشور متمدن دیگری ممنوع است. این روش شبیه روش حکومت‌هایی نظیر جمهوری سرمایه داری اسلامی ایران است که به هیچ موازین حقوقی، اخلاقی و ضوابط جهانی پایبند نیست. شاهدهی که تحت فشار سند و آنهم به صورت غیر قانونی و با فریب افراد جمع آوری کند، اقدامش غیر قانونی و باید مورد پیگرد قضائی قرار گیرد. دولت که خود باید مدافع اجرای بی نقص قوانین باشد خودش مجاز نیست به اقدامات تبهکارانه دست زند. چنین دولتی دیگر مشروعیت رسیدگی به جرایم دیگران را ندارد و تمام سامان حقوق

یک کشور را به زیر پرش می برد. در اروپا شما حق ندارید مکالمه تلفنی کسی را اگر به وی اطلاع ندهید ضبط کنید. چنین اسنادی در دادگاه فاقد ارزش حقوقی است. دنیائی را تصور کنید که دستگاه‌های مدعی حمایت از حقوق مردم و گسترش عدالت خودشان با فشار و تقلب، با توسل به نقض قانون و تبهکاری به جمع آوری مدرک بپردازند. روشن است که در این دنیا امنیت قضائی وجود ندارد و هر کس از پرونده

سازی، حتی در حریم خصوصی خویش نیز وحشت دارد. این روش را می توان با بدترین روشهای استبدادهای خودکامه قیاس کرد. ولی امپریالیسم آمریکا نه تنها از این روش تبهکارانه حمایت می کند، بلکه این روش خودکامه و حقوقی خویش را به همه ممالک جهان تسری داده و تحمیل می کند و تو گوئی خام "لورتا لینچ" وزیر دادگستری و **دادستان کل جهان** است. وی با وقاحت و طلبکاری هر چه بیشتر دلیل دخالت امپریالیسم آمریکا در پیگرد رشوه گیری در سوئیس را که کشوری در قلب اروپاست و ربطی به آمریکا ندارد، چنین توضیح داد و توجیه کرد که **مرئیتی** برای دریافت رشوه سفری به آمریکا کرده و در هتلی در داخل خاک آمریکا اقامت نموده و رشوه به وی با دلار آمریکائی صورت گرفته است و همین مدارک کافی است تا بر ضد وی اعلام جرمی از جانب قوه قضائیه آمریکا صورت پذیرد. به این ترتیب زمینه برای پیگرد هر فرد نامطلوب از نظر آمریکا در جهان که با دلار آمریکائی خرید و فروش کند و یا از جستجوگر "یاهو" و یا "گوگل" استفاده نموده و پست های الکترونیکی (ای-میل) خویش را با استفاده از نرم افزارها و یا تارنماهای شرکتهای آمریکائی ارسال دارد از این به بعد در شبکه تار عنکبوتی پیگردهای قضائی آمریکائی قرار می گیرد. زیرا که از فضای مجازی آمریکا عبور کرده است. هدف امپریالیسم آمریکا نیز بر سر جنجال اخیر همین است. **امپریالیسم آمریکا که تا کنون نقش پلیس جهان را بازی می کرد حال می خواهد نقش دادستان کل جهان را نیز بازی کند و آنهم در وضعیتی که این کشور حتی دادگاه امپریالیستی کیفری جهانی در لاهه را چنانچه به خواهد به جرایم مربوط به جنایات**

جنگی آمریکا رسیدگی کند قبول ندارد.

آمریکائی ها از نارضائی و نفرت مردم علیه رشوه خواری و چپاول استفاده می کنند، نه برای جلوگیری از چپاول، بلکه برای اینکه سایر نیات شوم خویش را به ذهنیت عمومی و قابل هضم برای همه مردم جهان بدل نمایند. زشتکاری به امری بدیهی بدل شود، نقض قانون از جانب آمریکا به یک امر عادی، متداول و قابل فهم برای همه تبدیل گردد. ذهنیت جهان برای اعمال زشت آمریکائی عوض شود و همه به این نتیجه برسند که امپریالیسم آمریکا به صرف ادعا، محق بوده و مجاز به ارتکاب هر توحشی است. همه کس تا کنون می دانست که در دستگاه فوتبالی جهانی رشوه دهی و رشوه خواری مرسوم

از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید!

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>



است. همه کس می دانست که برده داری و توحش در کشور قطر که نه سنت فوتبال در آنجا وجود داشته و دارد و نه حقوق بشر در آنجا رعایت می شود و نه برگزاری فوتبال در تابستان در آنجا مقذور است، نه با کار افتاعی میان نمایندگان، بلکه با زور رشوه بدست آمده است. پس چه شده که بیکباره این مقدار **"کاشفان جدید"** در دنیا پیدا شده اند تا پرده از روی **حقایق** قطر بردارند؟

دلایل این امر را که با این همه ریاکاری همراه است و طبیعتاً میلیاردها دلار درآمد اقتصادی برای این ممالک برگزار کننده همراه دارد می توان چنین خلاصه کرد: نخست اینکه امپریالیسم آمریکا قوانین کنگره و حقوقی خویش را به همه کشورهای جهان، به همه موسسات و بنیادهای جهان تحمیل می کند و تنها این قوانین را ملاک تشخیص "شر" و "حسن" قرار می دهد. ممالکی که به این زورگوئی تمکین کنند به بدعتی تن در داده اند که شانه خالی کردن از زیر بار آن در آینده برایشان اگر نه غیر ممکن، بلکه مشکل خواهد بود. در یک کلام امپریالیسم آمریکا نه تنها خود را پلیس جهان می داند و بدان عمل می کند، بلکه خرقة ی دادستان کل جهان را نیز بدوش انداخته است.

دوم اینکه تضاد میان امپریالیسم متهاجم و جنایتکار آمریکا و امپریالیسم زبون و مفلوک روسیه در ممالک سوریه، عراق، ایران، افغانستان، اوکراین، همکاری با بریکس و... تشدید شده، ممانعت از برگزاری جام جهانی فوتبال در روسیه و تلاش برای محاصره اقتصادی و سیاسی و دیپلماتیک این کشور نیز بخشی از سیاست سلطه جویانه امپریالیسم آمریکاست که تلاش می کند تا تمام جهان را وادار کند که به ساز اوباما و جرج بوش و یا

ریگان و... برقصند.

سوم اینکه اختلافات عربستان سعودی و قطر بر سر حمایت قطر از اخوان المسلمین در مصر و جنگ داخلی در لیبی تشدید شده است و گوشمالی به قطر که در چارچوب منافع امپریالیسم آمریکا در منطقه گام گذارده و پای خویش را از گلیمش فرا تر نهاده، دور از ذهن نیست.

از این گذشته طرح نمونه منفی قطر در اذهان عمومی زمینه الغای حق برگزاری مسابقات جام جهانی در روسیه را بهتر فراهم، توجیه و منحرف می کند، ولی همیشه نتیجه ی اتخاذ تصمیم در مورد خود قطر را با این بهانه باز می گذارد که به علت پیشرفت تدارکات و کمبود وقت برای یافتن جای جدید "متأسفانه"

منتفی است و فقط باید به تحریم مسابقات در روسیه تن در دهیم. البته به این استدلالات گزینشی و با انگیزه های مشکوک یک استدلال سیاسی عوام پسند نیز اضافه می شود که گویا تحریم جام فوتبال در قطر و انصراف از برگزاری آن می تواند دنیای اسلام را بر ضد ما برانگیزد و این زمینه تبلیغاتی را به تروریستها بدهد که مدعی شوند: غرب به علت دشمنی با اسلام پرونده سازی می کند و می خواهد جام جهانی در قطر را در خدمت

منافع اسرائیل و غرب منتفی کند. آنوقت با استناد به همین تنها استدلال سیاسی عوام پسند، مسابقات جام جهانی در قطر برگزار شده و در روسیه از برگزاری آن جلو می گیرند و حتی اگر موفق نشوند پرچم تحریم را بلند می کنند. حزب ما همیشه گفته است و تکرار می کند که ورزش نیز یک امر سیاسی است. ما ورزش بی طرف نداریم. ولی سیاست ورزشی همیشه باید در خدمت دوستی ملت‌ها و نه ایجاد دشمنی میان آنها باشد. تا امپریالیستها در سرنوشت دنیا دخالت می کنند بدر نفاق و دشمنی را میان خلق‌ها و ملت‌های جهان می پاشند و وضع بهتر از این نخواهد بود. به نظر حزب ما باید در عین افشاء رشوه خواری های متداول در ورزش و در "فیفا" نقش امپریالیسم آمریکا را روشن کرد که خطرش بیش از رشوه دهی و رشوه خواری است. این امپریالیسم همه دستاوردهای دموکراتیک بشریت را در زیر پای خود له می کند و خودش سرمنشاء رشوه دهی و رشوه خواری و شر در جهان است. خوب است نقاب از چهره ی آنان برداریم.

نظام مالی جهانی...

نشوند، خوب است که ما به مثالهای مشخصی در این زمینه نیز استناد ورزیم. مثالهایی که مردم جهان هر روز شاهد وقوع آن هستند و در پشت پرده عبارات تئوریک و تحلیلهای سنگین و پژوهشهای طولانی پنهان نمی مانند. تحمیل سیاست ریاضت اقتصادی تحت عنوان (Austerity) به کشورهای یونان، اسپانیا، پرتغال، ایرلند، قبرس... ادامه در صفحه ۵

دین امر خصوصی است و باید از دولت و آموزش جدا شود

نظام مالی جهانی...

نتیجه ای جز افزایش بیکاری علی الخصوص در میان جوانان، گسترش فقر، گرسنگی، تعطیلی بسیاری از مراکز درمانی و تعدیل بیمه های درمانی، کمبود دارو و به یک کلام به انحطاط کشاندن این کشورها نداشته است. به اوکراین، این حیاط خلوت امپریالیسم غرب، نیز رحم نکردند؛ ماه آوریل سال گذشته ۲۰۱۴ این صندوق ۱۷ میلیارد دلار در اختیار این کشور گذارد. دولت اوکراین در نظر داشت با دریافت این وام بدهی های خود را به بانکها به پردازد و کسری بودجه کشور را نیز تا حدودی تأمین کند. شرایط صندوق بین المللی پول تحت عنوان (Austerity) دولت اوکراین را واداشت تا جهت تأمین پرداخت وام ۱۷ میلیارد دلاری قیمت گاز را به یکباره ۵۰ درصد افزایش دهد؛ هزاران کارمند و کارگر را از دایره تولید و خدمات بیرون افکند و قانون حداقل دستمزدها را به تصویب رساند. حداقل سطح دستمزدها تقریباً به ۴۵ سنت (یورو) در ساعت تقلیل یافت. به دیگر سخن اگر کارگری روزی ۱۰ ساعت و ۲۵ روز در ماه کار کند، حقوق ماهانه اش به ۱۱۰ یورو خواهد رسید. به این ترتیب اوکراین هم در چنگال صندوق بین المللی پول گرفتار آمد. عواقب آن ممنوعیت تجمعات کارگری و سرکوب کمونیستها و نیروهای دموکرات است. دمیدن در بوق ناسیونالیسم اوکراینی و تبلیغات خطر اشغال از جانب روسیه و تبلیغات گوشخراش ناتو همه و همه در خدمت مستعمره کردن اوکراین و سرکوب مبارزه مردم و منحرف کردن افکار عمومی از جنابیتی است که به دست "بانک جهانی" و "صندوق بین المللی" پول در شرف وقوع است.

صندوق بین المللی پول که بر مبنای اهداف ذیل تأسیس شد: «گسترش همکاریهای پولی بین المللی و تسهیل رشد متوازن تجارت بین المللی»، «ایجاد سامانه با ثبات ارزی بین اعضاء و پرهیز از رقابت در کاهش نرخ ارزها»، «تهیه منابع لازم از طریق منابع عمومی صندوق، به منظور کمک به کشورهای عضو دارای کسری تراز پرداخت ها» در عمل نتیجه ای جز عدم ثبات به بار نیاورد. اشاره کنیم که تأثیر این بی ثباتی شرکت های ملی را در رقابت با صندوقهای سرمایه گذاریهای پُرخطر (hedge fund) ناتوان می سازد و آنها را به ورطه ورشکستگی سوق می دهد.

در جهان سرمایه داری انحصاری تصمیم می گیرند که تاریخ مصرف کدام قوم و ملیتی به پایان رسیده است و آنها به موانع پیشرفت و سوددهی سرمایه های امپریالیستی بدل شده اند. آنوقت این انسانهای میلیونی را می رویند و به گورستانهای جمعی با موعظه های انسانی فرو می پاشند. این جنایتکاران همیشه دست گشهای سفید بدست دارند و در پشت میزهای تر و تمیز و براق، سیاستهای راهبردی چپاولگرانه را تعیین می کنند. مجریان سیاستهای آنها در ایران با اسامی رفسنجانی، خاتمی، احمدی نژاد و روحانی به میدان می آیند تا امیال این شیاطین را متحق

گردانند. سیاست تعدیل اقتصادی و حذف یارانه ها در تمام زمینه ها، چه در زمینه مواد غذایی مثلاً در مورد نان شب مردم، چه در عرصه آب و برق، و چه یارانه دولتی به بهای بزرین از این قبیل اقدامات است که دولتهای جمهوری اسلامی به تدریج با توجه به منافع بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، در پی تحقق آن هستند و برای ایجاد زمینه ذهنی تحمیق مردم از روشنفکران مدافع سیاستهای امپریالیستی نظیر صادق زیبا کلام و با محمد قوچانی و شاگردان مکتب اتریش در ایران و مدافعان "موسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه" استفاده کلان می کنند. آنها فاجعه اقتصادی کنونی را که مردم را ذله کرده است به گردن عدم توجه به سیاستهای اقتصادی نئولیبرالی می اندازند. آقای قوچانی اصلاح طلب که مقاله ای در کنایه و تحقیر مخالفان سیاستهای امپریالیستی نئولیبرالی، در مجله مهرنامه شماره ۴۱ اردیبهشت ۱۳۹۴ نوشته است، در حمایت از سیاست استعماری نئولیبرالی می نویسد: "... در چنین شرایطی گروهی از اقتصاددانان، با مطالعه و تجربه ها و برنامه های بانک جهانی و بلوک غرب، نسخه آزاد سازی اقتصادی ایران را نوشتند و حمایت هاشمی رفسنجانی (رئیس جمهور)، محسن نوربخش (وزیر اقتصاد)، مسعود روغنی زنجانی (رئیس سازمان برنامه)، محمد حسین عادل (رئیس بانک مرکزی) را به دست آوردند. این همان برنامه ای بود که به تعدیل اقتصادی مشهور شد و واقعی کردن نرخ ارز، تدبیر پولی و مالی آن بود. البته "واقعی کردن" نرخ ارز برای مبادلات ارزی خارجی به خاطر تضمین سودهای سرمایه های خارجی و غارت دسترنج مردم ایران ضروری بود. طولانی شدن و تحقق ناموفق این سیاستهای تعدیل اقتصادی، بیشتر به تضمین امنیت سرمایه گذاری غارتگر خارجی در ایران مربوط بود، زیرا که سرمایه دار خارجی به امنیت سرمایه گذاری و تأمین سود و خروج سودش به صورت "نرخ واقعی ارز" از ایران نیاز دارد که با ساختار سیاسی و قضائی و امنیتی ایران همخوانی پیدا نمی کند. دستگاه قضائی که بر اساس قصاص و شریعت اسلامی استوار باشد طبیعتاً نمی تواند امنیت سرمایه های خارجی را که باید متکی بر قانونهای برسمیت شده مدنی و قانون اساسی کشوری باشند و به اراده شخص ولی فقیه و یا فلان مرجع تقلید وابسته نباشند، تأمین کند. این اقتصاد دانان نئولیبرال برای توجیه نظام استثمارگر سرمایه داری و تضمین جهان برده داری، مدعی اند که تنها از راه "توسعه" می توان به "عدالت اجتماعی" دست یافت. البته این روشنفکران در اینمورد که ثروت محصول از این توسعه چگونه باید عادلانه تقسیم شود تا عدالت برقرار گردد سکوت می کنند. توگویی توسعه بخودی خود فقر را از بین می برد. در حالی که توسعه ی متکی بر سامان سرمایه داری، یعنی تعمیق شکافهای طبقاتی و غنی گشتن اقلیتی بی کار و مفتخور به بهای غارت یک جان پیلجر در کتاب خود "اربابان جدید

جهان" (برگردان مهرناز شهبابی، مهرداد خللیل) در صفحه ۱۵۹ کتاب می آورند: "وقتی، به دستور "صندوق بین المللی پول"، تعرفه های گمرکی واردات و یارانه های مواد غذایی و سوخت حذف می شوند (افزایش نرخ بنزین توسط احمدی نژاد و روحانی و سیاست مودیانه نقدی کردن یارانه ها در زمان احمدی نژاد به مثابه گامی نخست برای حذف کامل آن با انگیزه بی اثر کردن و ممانعت از مقاومت مردمی-توفان)، کشاورزان کوچک و افراد بی زمین می دانند که تاریخ مصرفشان گذشته و دور ریختنی اعلامشان کرده اند. به این ترتیب، به جمع ۷۵۰ میلیون انسان در حال حاضر کم کار یا بیکار می پیوندند. به گفته ی "انسیتیوی منابع جهانی" (The World Resources Institute)، طبق "گزارش توسعه سازمان ملل" (UN Development Report)، میزان تلفات جهانی سازی به مرگ سالانه ۱۳ تا ۱۸ میلیون کودک یا ۱۲ میلیون کودک زیر ۵ سال می رسد. مایکل مک کینلی (Michael Mckinley) می نویسد: "درست است که یک صد میلیون نفر در جنگ های رسمی سده بیستم به هلاکت رسیده اند ولی، در مقایسه با تلفات سالانه کودکان در اثر اجرای "برنامه تعدیل ساختاری" از سال ۱۹۸۲ به این سو، آیا تلفات جنگهای رسمی هنوز هم باید جایگاه ویژه و برتری را در افکار و اذهان اشغال کنند؟" او سپس نظر لسטר سی. تارو (Lester C. Thurow) را نقل می کند که "مصیبتی که گریبانگیر بشر شده نه جنگ به زبان استعاره، و نه شبیه جنگ، که خود جنگ است."

از دل اینها یک جنبش مقاومت مردمی با گستردگی بی سابقه ای برخاسته است: از "جنبش بی زمین ها" در برزیل گرفته تا مبارزات ضد خصوصی سازی در آسیا و آفریقا، تا تظاهرات وسیع مردمی در غرب (از قبیل تظاهرات شهر سیاتل آمریکا و شهر جنوا در ایتالیا). ویژگی مشترک همه ی این جنبش ها این حس است که مردم عادی در "شرایط اشغال" به سر می برند، گویی که در جنگی مغلوب شده اند."

هم اکنون ۴۰ هزار نفر در مونیخ بر ضد نشست سران هفت کشور غارتگر جهان که در "کاخ الما" (Schloss Elmau) در جنوب ایالت بایرن آلمان تجمع کرده اند به نمایشات اعتراضی دست زدند. هزینه این نشست ۳۲۰ میلیون یورو تخمین زده شده است. مردم آلمان در زندگی واقعی خود و مردم جهان می بینند که "توسعه اقتصادی" بر خلاف ادعاهای دروغین اندیشمندان اتاقهای فکری امپریالیستی نه تنها، منجر به "تحقق عدالت اجتماعی" نمی شود، بلکه برعکس به توسعه فقر و بدبختی، به تراکم سیل گرسنگان و هجوم میلیونها انسان بی درنما و قربانی سیاستهای نئولیبرالیسم امپریالیستی به سرزمینهای می شود که ثروتهای این ملل را غارت کرده اند. موج مهاجران و پناهندگان به سوی ممالک غنی سرازیر است و راهی برای این "دموکراسی های هوادار حقوق بشر" نمی ماند تا از حضور آنها بهر قیمت در این ممالک ... ادامه در صفحه ۶

تجاوزگران، استثمارگر، باید حاکم عراق و افغانستان را بی قید و شرط ترک کنند. مسیونیم دشمن بشریت و قاتل ملت فلسطین است

نظام مالی جهانی...

جلوگیری کنند. یا با تقویت فاشیسم و نژادپرستی و یا کشتار موزیانه و خفه کردن آنها در دریا. مسلما مردم ایران نیز در مقابل این موج نئولیبرالی خانمان برافکن در ایران خواهند ایستاد و این رژیم جمهوری اسلامی است که سرش را بر باد می دهد. عدالت انسانی و واقعی تنها بر گور سرمایه داری و نظام جمهوری اسلامی در ایران میسر خواهد گشت.

رویزیونیسم در قدرت سیاسی...

می گاهند تا کشور را با خلع ید پرولتاریا از قدرت سیاسی به دست طبقه نواخته بورژوازی بسپارند و اموال عمومی را به یغما برند. ما امروز شاهد این ویرانی در ممالک سابقا سوسیالیستی هستیم که همگی قربانی رویزیونیسم خروشچف گردیدند. وظیفه کمونیستهاست که این بیماری مهلک را بشناسند و برای مبارزه با آن همواره آماده باشند وگرنه انکار خطر رویزیونیسم و فرار از پذیرش ناخوش آیند تأثیرات آن همواره زمینه را برای بروز مجدد آن هموار می کند. "رویزیونیسم لزوم نقش رهبری طبقه کارگر را در انقلاب و نقش تاریخی پرولتاریا را در ساختمان جامعه نوین، جامعه سوسیالیستی نفی می کند و بر آن است که طبقات و قشرهای دیگر نیز می توانند مانند پرولتاریا این وظیفه را انجام دهند. بدین ترتیب علت وجودی احزاب کمونیست به مثابه احزاب کمونیست به مثابه گردان پیشرو پرولتاریا که باید طبقه کارگر را در اجرای انقلاب سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا و ساختمان جامعه ای سوسیالیستی رهنمون شود منتفی می گردد. بعضی از احزاب با تبعیت از این فکر باطل به انحلال خود تحقق بخشیدند و پرولتاریای کشور خود را از سازمان پیشاهنگ محروم ساختند.

"تئوری" و پراتیک رویزیونیسم نمی توانست جنبش کمونیستی جهانی را به تلاشی نکشاند. اکنون رویزیونیست های شوروی به محفل رویزیونیست ها که با تمام قوا در نگاهداری آن می کوشند نام جنبش کمونیستی می گذارند. اما این کوشش آنها نیز بیهوده و عبث از آب در میآید. خاصیت "گریز از مرکز" احزاب رویزیونیستی هر روز بیش از پیش بروز می کند.

هدف دیگر رویزیونیسم این است که سوسیالیسم را خوار و بی مقدار سازد، وحدت کشورهای سوسیالیستی را بر هم زند و سرانجام نظام سوسیالیستی را براندازد. رویزیونیستهای شوروی و در راس آنها خروشچف با حملات خانمانه خود به حکومت شوروی در دوران زمامداری استالین، با سیاه کردن و به لجن کشیدن این دوران، با محکوم کردن "نظام امور، ایدئولوژی، اخلاق و اشکال و شیوه های رهبری" در این دوران، حیثیت و اعتبار اتحاد شوروی و رژیم سوسیالیستی را به شدت لکه دار کردند. بیهوده نبود که "گزارش مخفی" خروشچف به کنگره بیستم حزب کمونیست

اتحاد شوروی، گزارشی که از تمام احزاب برادر و کمونیست های جهان پنهان نگهداشته شد، بلافاصله پس از کنگره در مطبوعات آمریکا انتشار یافت. از آن پس رویزیونیست های شوروی و دیگر کشورهای به اصطلاح سوسیالیستی با گفتار و کردار خود ضربات تازه ای بر مقام اتحاد شوروی، کشورهای سوسیالیستی و نظام سوسیالیستی وارد آوردند. اعتبار معنوی شوروی امروز تا هیچ تنزل کرده است. شاید هنوز هم دیوانگانی پیدا شوند که برای فریب توده های مردم بنویسند "حیثیت و اعتبار شوروی هیچگاه به این اندازه زیاد نبوده است" اما این ادعای آنها که مسلما همه آن را به سخره می گیرند واقعیت را تغییر نمی دهد" (نقل از جزوه "رویزیونیسم در تئوری و در عمل" نشریه شماره ۵ سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان منتشر در تاریخ مرداد ۱۳۴۷ مطابق ژوئیه ۱۹۶۸ صفحات ۶۰ تا ۶۲)

صدای مقاومت در برابر...

و تقویت کند. همین نمونه ناتو نشان می دهد که در عرصه تشدید تضادهای امپریالیستی، امپریالیسم متفوق آمریکا لجام گسیخته، متهاجم، خطرناک برای صلح جهانی است و ملتها و خلقهای جهان، زحمتکشان و طبقه کارگر در درجه نخست باید به این هیولای وحشی دهنه زده و برای حفظ صلح در جهان فعال شوند. خواست احترام به حقوق ملل و موازین به رسمیت شناخته شده و تجربه گردیده جهانی و حفظ صلح جهانی باید به یک خواست بازدارنده در مقابل امپریالیسم وحشی بدل شود.

از تاریخ ۲۹ مارس تا اول آوریل یک کاروان نظامی آمریکایی همراه "مدرنترین ابزار نظامی" ("کانال اول تلویزیون آلمان) پس از ۱۸۰۰ کیلومتر "قدرت نمائی" (همانجا) به موازی مرزهای روسیه به خاک جمهوری چک وارد شد. روزنامه "هالو نووینی" (Halo Noviny) به تاریخ اول آوریل به این مناسبت نامه افسر عالیرتبه ارتش ذخیره به نام "مارک اوبرتل" (Marek Obrtel) را که خطاب به مقامات بالای ارتش نگاشته شده انتشار داد. روزنامه "پونگه ولت" (Junge Welt) بخشهایی از این نامه را در تاریخ ۸ آوریل منتشر ساخت که ما بدان اشاره می کنیم:

"شما در تحت شرایط بسیار متنوع بین المللی به عنوان سربازان مسلح، درست چندین روز قبل از آنکه ما خاطره ۷۰ سالگی آزادی سرزمین خود از چنگال فاشیسم و پایان جنگ دوم جهانی را جشن بگیریم، وارد خاک ما می شوید. شما در زمانی می آئید که در دنیا، در اروپا و بطور روشنی در اوکراین و حتی در چندین کشور دیگر مانند ممالک بالتیک مشعلهای فاشیسم زبانه می کشند و پشتیبانی از این فاشیسم به طور روشن از سوی اظهارات سران سیاستمداران این کشورها به گوش می رسد. امروز من هنوز در خیابان با شعار خواست ترک کشورمان نایستاده ام که شما را اشغالگر بنامم. من هنوز گوجه فرنگی

و تخم مرغ به سمت شما پرتاب نمی کنم. چرا؟ چون بر این گمانم که تنها چیزی که شما را راهی جمهوری چک کرده، آن است که در این روزهای یادبود برای بیش از ۲۵ میلیون قربانی های روس و شوروی، ۴۲۰۰۰۰ قربانی آمریکائی و میلیونها قربانی دیگر جنگ جهانی دوم در برابر آنان ادای احترام کنید....

من ناچارم که با کمال صداقت بگویم که بسیاری از هموطنان من عبور شما را چنین ارزیابی نمی کنند. آنان در این رژه شما، یک نمایش قدرت و تلاش می بینند که مایل است به ما یادآوری کند "چه کسی در اینجا ارباب است." و در این مورد نباید تعجب نمایید. کشور شما -یعنی ایالات متحده آمریکا- پس از جنگ جهانی دوم مسئولیت وجدانی ده ها مناقشه نظامی که غالبا به طور مصنوعی ایجاد شده و منجر به کشته شدن میلیونها انسان و عمدتا غیرنظامیان بی گناه و کودکان گشته اند، به عهده دارد....

در طول ۲۵ سال برای وظیفه نظامی در بالاترین مقامات ارتش خدمت کرده ام. من در بسیاری از ماموریت های مهم و موثر مثلا در چارچوب همکاری برای صلح و سپس در ناتو نقش داشته ام. من فرمانده سهمیه سابق ارتش، رئیس بیمارستان نظامی دوم در افغانستان و مشاور پزشکی فرمانده هنگ چند ملیتی در کوسوو بوده ام. اما زمانی که متوجه و قانع شدم چه نقشی ناتو بازی می کند و برای چه هدفی این سازمان در خدمت آمریکاست و چگونه آمریکا ناتو را در خدمت منافع توسعه گرانه خود به کار گرفته است، چقدر خون بی گناهان به دست آنان چسبیده است، تصمیم گرفتم از تمای دورنمای پر موفقیت نظامی خود صرف نظر کرده و ارتش را ترک کنم. اما زمانی که درگیری هدفمند در اوکراین که نسخه درگیری در کوسوو است، اوج گرفت، بر آن گشتم که تمام نشان های نظامی خود را که مربوط به درگیری های ناتو بوده اند پس داده و ناتو را به عنوان یک سازمان جنایتکار ارزیابی نمایم."

چشم و گوش امپریالیسم آمریکا...

می دهد. این تصور که با جنبه روانی فرار واقعیت و پس زدن افکار ناخوش آیند همراه است، سعی می گردد به مرور به روان اجتماعی بدل گردد. مردم که در مقابل این اقدامات ناتوانند، ترجیح می دهند با ارتجاع حاکم، با سانسورچیان بسازند. آنها به همین راضی اند که فعلا چوب را در آستین آنها فرو نکنند. این وضعیت افکار عمومی است. امپریالیستها این روش تروریستی را که دستبرد آشکار و بی محابا و زشت به حریم خصوصی انسانها و نقض همه دستاوردهای موکراتیک انسانهاست به بهانه مبارزه علیه تروریسم توجیه می کنند. برای آنها همه مردم باید مورد پایش قرار بگیرند زیرا به زعم آنها هر کس با آنها نیست بالقوه تروریست است، مگر آنکه عکسش ثابت شود. معلوم نیست یک عده قلیل افراد که از مالیات مردم زندگی می کنند، چگونه به خود اجازه ... ادامه در صفحه ۷

حاکمیت رویزیونیسم، ویکتوری بورژوازی است و نه ویکتوری پرولتاریا

چشم و گوش امپریالیسم آمریکا...

می دهند در امور داخلی و حریم خصوصی زندگی سایر مردم که دارای همان حقوق مساوی با آنها هستند خودسرانه دخالت کنند؟ با کدام حق و مجوز؟ مگر آنها حق ویژه دارند تا همه مردم را تحقیر کرده و به مثابه جانی بالقوه با آنها رفتار کنند؟ به چه حساب و به کدام نیت و برای حفظ کدام مردم دیگر؟ چه کسی این حق را به آنها داده است؟ مگر آنها رسولان آسمانی هستند و به تحقق آیه های آسمانی مشغولند و نقش آیت الهی دارند؟ مگر آنها قانون الهی و فصول را اجراء می کنند؟ روشن است که با هیچ منطق و اتکاء به "ارزشهای غربی" نمی توان این راهزنی و دستبرد به حقوق مردم را توجیه کرد. حال نیز که دست امپریالیستها در همکاری با سایر

و با حکم دادگاه در اختیار مامورین امنیتی قرار می گیرد. آن استثنائی که در مورد اتباع آمریکائی قابل شده اند، برای سایر مردم میلیاردی جهان، یعنی برای اکثریت قریب به اتفاق مردم جهان اعتبار ندارد. یعنی آنها هنوز هم اصل عدم مداخله در امور خصوصی و حریم زندگی مردم را به رسمیت نمی شناسند و از همه امکانات برای تحت فشار قرار دادن آنها قانونا برخوردارند. آنها همه اصول دموکراسی و احترام به عقاید اکثریت را به زیر پا می گذارند و به ریش مردم دنیا و حتی ماموران خودشان که مدافعان سر سپرده امپریالیستها هستند نیز می خندند.

سازمانهای امنیتی غیر آمریکائی رو شده است، آنها از رو نمی روند و مدعی می گردند که کارشان درست بوده و برای حفظ امنیت مردم است. تجاوز به امنیت و حریم خصوصی مردم را، حفظ امنیت مردم جا می زنند. تروریسم دولتی را مجاز و تروریسم فردی را که خودشان مبدع و مبتکر آن بوده اند غیر مجاز می نمایند. پس از فشار از پائین و اعتراض افکار عمومی مردم جهان و بی اعتباری این بازیگران سیاسی کنسرنها در جهان، تصمیم گرفته اند که از گوش دادن بلاواسطه به مکالمات آمریکائی ها و نه مردم جهان خودداری کنند، مگر اینکه خطری از جانب آنها تشخیص دهند. در مورد اتباع آمریکائی تمام مکالمات آنها توسط شرکتهای تلفن ثبت و ضبط شده و برای مدت معلومی نگهداری شده

(توفان الکترونیکی شماره ۱۰۸ منتشر شد آزاد تارنمای توفان مطالعه نمایند)

در این شماره می خوانید:

بن بست حاکمیت، وضعیت فلاکت بار طبقه کارگر و زحمتکش و تنهاره نجات، -- رژیم ضد کارگری سبب قتل محمد علی میرزایی است
برای آزادی کارگران زندانی به پانزیم ۱، -- سی و چهار سال سال از تیرباران فرمانان توفانی گذشت ما آن شتایسیم که با دلخ زاده ایم..

شادمانی مردم پس از پیروزی در خشان تیم ملی والیبال ایران بر تیم ملی آمریکا، -- اطلاعیه در مورد ترور رفیق خوزه این هنرماند زمانیکه

پیام تسلیت به مناسبت رفیق مارتا بنیان گذار حزب کار کمونیت جمهوری دومونیک گذشت، --

جمع سران (ک ۷) دیکتاتوری سرلایه مالی در قصر الماد حاشیه نشست سالانه خادنگران بین المللی ۶۷

سخن بنفته

در حاشیه پیروزی حزب دکر اتیک خلتها ترکیه، -- بیانیه شبکه بین المللی، بمبستگی با خلق عراق، -- سخنی پیرامون بابت قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

گشت و گذاری در فیسبوک و پانچ به چند سوال

توفان الکترونیکی

شماره ۱۰۸ تیر ماه ۱۳۹۴ ژوئیه ۲۰۱۵

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

www.toufan.orgtoufan@toufan.org<http://toufan.org/ketabkane.htm>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

سایت آرشیو نشریات توفان

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

توفان در توئیتر

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

توفان در فیسبوک

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

وحدت، سرچشمه نیرو، و نیرو، ضامن پیروزیست

چشم و گوش امپریالیسم آمریکا

وسيله دخالت بی شرمانه در تجاوز به حریم خصوصی انسانها، ملتها و دولتها بوده و دشمن همه ارزشهای بشری است

بحث مربوط به جاسوسی و شنود امپریالیسم آمریکا در سراسر جهان هنوز هم داغ است. امپریالیسم آمریکا و همه متحدانش در سراسر جهان پرچمی به دست دارند که بر آن "ارزشهای غربی" را نوشته و تحت آن "احترام به حقوق بشر، آزادی بیان و عقیده، آزادی سفر، دموکراسی" و نظایر آنرا می فهمند و یا تظاهر می کنند که می فهمند. این رژیمها در تأیید حقانیت خود به نمونه ایران استناد می کنند که، گوشه کنار زندگی مردم توسط سازمانهای امنیتی، سرکوب، پائیده شده و کسی جرأت ندارد حتی در چهار دیوار خانه خود به راحتی سخن بگوید، تلفنها کنترل می شود، اخبار کنترل می شود، آزادی بیان عقیده سرکوب می شود و با دوربین و چشمهای برادر بزرگتر به خصوصی ترین پستوهای زندگی هر کس سرک می کشند. استناد به شرایط خفقان در ایران، پرده پوشی نیهکاری های خود امپریالیستهاست تا خود را دموکرات نشان دهند. این افسانه را به بسیاری القاء کرده بودند و کمونیستها هر چقدر تلاش داشتند که به مردم تفهیم کنند آزادی و دموکراسی بی قید و شرط نیست و جنبه طبقاتی دارد و امپریالیستها حدود و ثغور آنرا بر اساس مصالح طبقاتی خودشان تفسیر، تضمین و تامین می کنند به گوش خیلی ها فرو نمی رفت. ادوارد اسنودن این آمریکائی جسور پرده از این ریاکاری آمریکا برداشت و اسنادی غیر قابل انکار منتشر کرد که نشان می داد امپریالیسم آمریکا حتی دوستان خود را بدون اجازه و با ریاکاری می پاید. چه برسد به مردم عادی. امپریالیسم آمریکا تلفن و پست الکترونیکی، تصاویر، نامه ها، حسابهای بانکی، نقل و انتقالات ارزی و... افراد رادر سراسر جهان ذخیره می کند و با ساختن نرم افزاری مقتضی به طور مرتب آنها را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده و از همه چهره نگاری نموده و مشخصاتشان را ضبط می کند. صحبت بر سر ضبط یک مکالمه خصوصی تلفنی نیست، بر سر همه زوایای زندگی خصوصی مردم است. امپریالیسم آمریکا این روش موزیانه را برخلاف قانون اساسی آمریکا که معلوم شد تره هم برایش خورد نمی کند و بر خلاف همه موازین انسانی و اخلاقی و قانونی سراسر جهان ادامه می داده است و تا موقعیکه دیگر انکارش برایش مقدور نبود ادامه داده است و هنوز هم می دهد. جاسوسی سازمان امنیت زمان شاه و یا اوآک خمینی در قیاس با پهنا و ابعاد دخالتی که آمریکائی ها در زندگی مردم در تمام عرصه های زندگی می کند، خنده آور و بی مقدار است. امپریالیسم آمریکا می تواند و این کار را می کند که از افراد معینی چه در عرصه اقتصاد و چه سیاست اسناد و مدارک ناخوشایندی بدست آورد که آنها را وسیله تحت فشار قرار دادن این افراد نموده و آنان را وادار به خیانت، همدستی با امپریالیسم آمریکا و یا جاسوسی به نفع آمریکا نماید. آمریکا ماشینی را به کار گرفته است که ماشین تهدید و ارباب، ماشین شانتاژ و تحت فشار گذاردن همه بطور کلی و افراد معین به طور خاص است. نظام پلیسی و امنیتی صرف بر همه حاکم است و کسی احساس امنیت نمی کند. وضع طوری است که هر کس فکر می کند این شمشیر داموکلاس بر گردن وی فرود نمی آید، بلکه مرغ همسایه را می کشد و با این پندار واهی، دغدغه های خویش را تسکین... ادامه در صفحه ۶

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party
of Labour of Iran

No. 184 Jul. 2015

صدای مقاومت در برابر جنایات آمریکا و ناتو

نوشته زیر را که یک نظامی چک که می داند از چه سخن می راند، نوشته است. وی دستش در کار بوده و همه جنایات ناتو را از نزدیک دیده و لذا شهادت وی در مورد ماهیت این سازمان تجاوزگر، جهانی و جنایتکار از روی اعتقاد و محصول شناخت وی در طی یک روند عملکردهای مشمئز کننده این سازمان بوده که چشمهای وی را گشوده است. وی اکنون به وظیفه وجدانی، انسانی و اخلاقی خویش عمل می کند و به مردم جهان نتایج تجربیات ۲۵ ساله همکاری خود با ناتو را گزارش می دهد. انتشار این سند از جانب حزب کار ایران (توفان) برای آگاهی عموم ایرانیان است تا بدانند و ببینند که دستهای امپریالیسم آمریکا تا به چه حد به خون بی گناهان آلوده است و می خواهد با تقویت فاشیسم و گسیل آنها بر ضد ملت های دیگر، سلطه امپریالیسم آمریکا در جهان را گسترش داده... ادامه در صفحه ۶

www.toufan.org

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکر نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزیی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573302600
Germany

Toufan آدرس
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany